

نقد و بررسی دستورالکاتب فی تعیین المراتب

یزدان فرخی*

چکیده

دستورالکاتب فی تعیین المراتب یکی از آثار بی نظیر و منحصر به فرد در موضوع علم منشآت می باشد. اما اثر مذکور صرف نظر از جنبه آموزشی و تعلیمی آن برای کاتبان دارای ابعاد گوناگونی است. می توان فرض کرد که اثر مذکور به تدوین تحولات اجتماعی و اداری ایجاد شده با حضور مغولان در ایران می پردازد. با این فرضیه می توان پژوهش تازه ای درباره تاریخ اجتماعی ایران صورت داد. درباره این اثر تحقیقات چندانی صورت نگرفته است. هدف این مقاله بررسی شناخت زوایای گوناگون اثر مذکور می باشد.

کلیدواژه: دستورالکاتب فی تعیین المراتب، محمدنخجوانی، مکاتبات، مراتب اجتماعی، القاب و ادعیه، مناصب.

بی گمان بخش مهمی از منابع تاریخی را اسناد حکومتی و دیوانی تشکیل می دهند. این اسناد با توجه به هدف تدوین و تألیف از نظر تاریخی دارای صحت و دقت زیادی هستند. به عبارتی دیگر این آثار - مانند تاریخ نگاری سنتی به منظور توجیه و مشروعیت بخشیدن به حکومت وقت نوشته نشده است. بصورت معمول هدف مؤلفان آنها توجه و تأکید بر آموزش کاتبان تازه کار بوده است. این مجموعه ها به نام های گوناگونی معروف بودند. از جمله مهم ترین آنها می توان به اثر محمدنخجوانی اشاره نمود. اثر مذکور به «دستورالکاتب فی تعیین المراتب» مشهور است. این اثر به همت عبدالکریم علی اوغلی علیزاده در سه مجلد و در طول سالهای ۱۹۶۴ م، ۱۹۷۱ و

۱۹۷۶ با مقدمه انتقادی در مسکو به چاپ رسیده است. مصحح در این تصحیح از شش نسخه استفاده نموده است. ۱. کتابخانه کوپورلو در استانبول که تاریخ کتابت آن سال ۷۹۸ ق می باشد. ۲. نسخه کتابخانه لیدن بدون تاریخ تحریر ۳. نسخه موزه بریتانیا به تحریر ۹ صفر سال ۸۱۶ ق ۴. کتابخانه وین به تحریر ۹ ذی القعدة سال ۸۴۵ ق. ۵. نسخه کتابخانه پاریس (شماره ۴۶۳) فاقد آغاز و انجامه. ۶. نسخه پاریس (شماره ۱۳۷۸) که تاریخ کتابت آن نیاز به تحقیق دارد. هیچ یک از نسخه های اشاره شده نسخه مؤلف نیست. نسخه ای از دستورالکاتب در کتابخانه سپهسالار (مطهری) نیز موجود است که در این تصحیح از آن استفاده نشده است. (نخجوانی: نسخه سپهسالار، شماره ثبت ۲۷۷۳) عزیزاده در پاورقی کتاب به ذکر نسخه بدل ها پرداخته است. او توضیحات خود را در مقدمه مجلد سوم بصورت مفصل ذکر کرده و در پایان هر جلد فهرست دقیقی از اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی را فراهم آورده است. با این حال واژه ها بدون تعریف، توضیح و ریشه شناسی ذکر شده است. به عبارت دیگر توضیحات مصحح در مقدمه بسیار کلی و گذرا است و در هنگام تصحیح و ذکر نسخه ها ابهامات موجود را توضیح نداده است. این مسأله شامل اعراب گذاری اصطلاحات نیز می شود. بی گمان این اثر به تحقیقات گسترده ای درباره ابعاد گوناگون مسایل اجتماعی، کتابت، دیوانسالاری، نظام اقتصادی و صنفی و تصحیح مجدد نیازمند است.

مؤلف از کاتبان و منشیان بزرگ اواخر دوره ابوسعید (۷۱۶-۷۳۶ ق) و مشهور به «شمس منشی» است. (نخجوانی: ۱۹۶۴، ص ۸) درباره پایگاه قومی او اطلاعی در دست نیست و سخن عزیزاده درباره ترک زبان بودن وی بر مبنای شواهد تاریخی استوار نیست (نخجوانی: ۱۹۶۴، مقدمه مصحح، صص ۱۰ - ۱۱) او فرزند هندوشاه بن سنجر (متوفی: ۷۳۰ ق) از مؤلفان و منشیان دوره ایلخانی و در دربار اتابک نصرت الدین لر بود. هندوشاه مؤلف آثار معروفی در تاریخ و ادبیات ایران بعد از مغول محسوب می شود. چارلز ملویل او را یکی از پیشروان جریان احیای فرهنگ ایرانی بعد از مغول می داند. (نک: CH, Melvil) از آثار او می توان به تجارب السلف تألیف سال ۷۲۴ ق و تقدیم شده به اتابک نصرالدین احمد (۶۹۵ - ۷۳۰) و صحاح العجم یا تحفه العشاق اشاره نمود. اثر اخیر، فرهنگ لغتی سه زبانه می باشد و تسلط نخجوانی (پدر) را بر زبان ترکی، عربی و فارسی بیان می کند. (نخجوانی: ۱۳۶۱، ص ۵) کتاب اخیر بر محمد (پسر)

تأثیر بسیار زیادی گذاشت بطوری که اثری را در این زمینه تألیف نمود. اما اثر مورد بررسی او زبان فارسی و تحقیق درباره این زبان بود. کتاب مذکور به صحاح الفرس مشهور است و در آن واژه‌های کهن فارسی همراه با شاهد شعری به فارسی دوره مؤلف برگردانده شده است. این اثر پس از لغت الفرس اسدی طوسی (قرن ۴ ق) کهن‌ترین فرهنگ فارسی موجود است (نخجوانی: ۱۳۵۵، مقدمه ص ۹) نخجوانی در این اثر ذکری از دستور الکاتب نمی‌کند و متقابلاً در دستور الکاتب نیز درباره این اثر اشاره‌ای وجود ندارد. احتمالاً صحاح الفرس بعد از دستور الکاتب نوشته شده است. بطوری که در مقدمه صحاح هدف خود را از نوشتن اثر مذکور چنین بیان می‌کند:

تا... جهانیان را معلوم گردد که عنایت حضرت ایزدی درباره این مخدوم... تنها در حکومت ممالک و حراست مسالک نیست بلکه در فنون براءت و فضیلت و در صنوف بلاغت و فصاحت... (نخجوانی: ۱۳۵۵، ص ۱۲)

نخجوانی از فرهنگ صحاح العجم در دستور الکاتب یاد می‌کند و اشعاری را از آن کتاب نقل می‌کند (نخجوانی: ۱۹۷۶، ص ۳۴۲؛ از این کتاب با نام صحاح اللغه جوهری یاد شده است) بی‌گمان محمد نخجوانی یکی از طرفداران و پیروان بکارگیری نظام متمرکز دیوانی در اداره کشور بود. این اعتقاد پرورده دیوانسالاران ایرانی است که مهمترین آنها در دوره ایلخانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بود. (پیگولوسکایا: ۱۳۶۳، ص ۳۶۹) این تفکر در واقع یک حرکت اصلاحی در مقابل مشکلات بوجود آمده از حملات مغولان و تسلط صحرائشینان بر یکجانشین‌ها بود. نخجوانی در دستور الکاتب بارها از این اعتقاد دفاع کرده است و در بخش مکاتبات سلاطین و نامه‌های مربوط به «نصیحت» این تفکر را دنبال نموده است. (نخجوانی: ۱۹۶۴، صص ۱۴۹-۳۶۹) مساله‌ای که نخجوانی همواره دغدغه خود دانسته و آنرا در بخش مذکور توصیه نموده ایجاد امنیت است. الگوی مطلوب او در سلطنت محمود غزنوی است که به عنوان سلطانی دادگر و قدرتمند معرفی می‌شود. سلطان مذکور نماد ایجاد امنیت و سرکوب نیروهای گریز از مرکز است. (همان، صص ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۲۱) همچنین خواجه نظام‌الملک به عنوان وزیری مدبّر و مقتدر و صاحب اختیار توصیف می‌شود. (همان، صص ۲۶۳، ۳۰۸، ۳۵۸، ۳۷۱) گویی که نویسنده اختیارات وزیر مذکور را برای وزیران دوره خود اراده می‌کند. نخجوانی تأکید می‌کند که اساساً طرح و پیشنهاد دستور الکاتب متعلق به فرزند خواجه رشیدالدین، غیاث‌الدین

بوده است و حتی وزیر مذکور «حکم یرلیغی» در این زمینه صادر کرده بود. اما بدلیل اشتغال و عدم فراغت از کار در زمان وی موفق به انجام آن نشد. (نخجوانی، همان، ص ۲۵) بنابراین نمی توان آرمانها و اعتقادات وزیر مذکور را در این اثر نادیده گرفت. این اثر سرانجام به شیخ اویس جلایری (۷۵۹ - ۷۷۸) هدیه شد. نخجوانی در ابتدای اثر خود به حمد و ثنای و ذکر القاب و بزرگی سلطان پرداخته است. (همان، صص ۱۵ - ۲۱) و در پایان قصیده‌ای را در مدح او سروده است.

شاهنشاه ممالک معزّدين سلطان اویس شاه جهاندار کامران

(همان: ۱۹۷۶، صص ۳۶۲-۶۵)

نخجوانی اثر دیگری بنام الارشاد فی الانشاء را نیز تألیف کرده است. این اثر به گفته خود مؤلف مختصری از دستور الکاتب می باشد. (واتابه: ۱۳۷۹، ص ۳۲؛ نخجوانی، همان، ص ۳۴۷) نخجوانی در دستور الکاتب نیز از این اثر یاد می کند و آن را رساله ارشاد می نامد. (نخجوانی، همان) به همین دلیل نخجوانی از جزییات بیشتری سخن نمی گوید اما به نظر می رسد که پس از تدوین اولیه دستور الکاتب استفاده کنندگان (کاتبان) بدلیل «تطویل کتاب و تنوع فصول و تشعب انواع، قدرت استکتاب آن را نداشتند» (واتابه، همان) و به همین دلیل کتاب را مختصر نموده تا مورد استفاده بهتر قرار بگیرد. اما پس از مدتی نخجوانی در این مورد تغییر عقیده داده و در تدوین نهایی دستور الکاتب می گوید: وصیت کلی آنست که بهیچ حال بایجاز و اختصار آن مشغول نشوند تا فایده ساختن این کتاب که سهولت فن انشاست بر متعلمان فوت نشود اگرچه این ضعیف رساله ارشاد را که صد و پنجاه فصل زیادت است استخراج کرده... اما به تحقیق پیوست که فایده خوض در تشعب افکار و شروع در تنوع معانی... را که از این کتاب میسر می گردد هرگز از مطالعه هیچ مختصر میسر نشود. (نخجوانی، همان، صص ۳۴۷-۸)

ارشاد در مواردی با دستور الکاتب تفاوت دارد. به عنوان مثال در فصل ۶۴ در باب اوّل گروهی بنام «اهل طلب» را ذکر می کند، که در دستور الکاتب ذکر نشده است. (نخجوانی: ۱۹۷۱، صص ۳۷۱-۳۹۲؛ مقایسه شود با: واتابه؛ همان) همچنین ملوک و امرای محلی مثل «شروانشاهان» حذف و «امرای اکراد» افزوده شده است. (نخجوانی: ۱۹۶۴، صص ۳۱-۳۲؛ مقایسه شود با: واتابه، همان) از اثر مذکور تنها یک نسخه در کتابخانه اسعد افندی شناخته شده است. نخجوانی دستور الکاتب را در سال ۷۶۷ ق در

سن ۷۳ سالگی که به بزعم خود سن «انزوا و انقطاعست» به پایان رسانید. اگر تألیف صحاح الفرس را نیز پس از این اثر بدانیم آنگاه استعداد و توانایی‌های مؤلف بیشتر مشخص خواهد شد. (نخجوانی: ۱۹۶۴ ص ۲۴ در مورد سال تألیف رجوع کنید به همان، مقدمه مصحح، ص ۲۳)

دستور الکاتب از دو بخش مجزا تشکیل شده است. قسمت (قسم) اول به مکاتبات و نامه‌نگاری‌ها و تعیین مرتبه و ذکر القاب و ادعیه‌ها می‌پردازد. قسمت (قسم) دوم اثر به حکم‌های تفویض مشاغل نظامی، دیوانی و شرعی پرداخته می‌شود. بخش اخیر با عنوان اثر (تعیین المراتب) هم‌خوانی کمتری دارد. بخش مقدمه و دیباچه در آغاز قسم اول نیز توضیحی بر کل کتاب و بیان اهداف و ضرورت‌های تألیف اثر می‌باشد. دستور الکاتب مانند سایر کتابهای (تاریخی و ادبی...) دوران اسلامی با ذکر و حمد و ثنای پروردگار آغاز می‌گردد. (نخجوانی: ۱۹۶۴، صص ۱-۴) سپس به بحث نظری درباره اهمیت سخن گفتن و نوشتن و ضرورت کتابت و تألیف اثر پرداخته می‌شود. (همان، صص ۵-۱۳) همچنین در شش فصل مواردی که کاتب برای نوشتن نامه می‌بایست رعایت کند، طرح می‌شود. عناوین این فصل‌ها عبارتند از ۱. موضوع علم انشا ۲. در فضیلت کاتب و مقام و شرف ۳. در آداب کتابت ۴. در ذکر زمان کتابت ۵. موضع کتابت ۶. در صفت آلات و ادوات.

موضوعات ذکر شده حدود ۴۶ صفحه را دربر می‌گیرد. در این بخش در واقع توضیح دهنده آداب و رسوم متداول در بین کاتبان و منشیان است. موارد ذکر شده گاهی به موضوع‌های دقیق روانشناختی اشاره دارد. به عنوان مثال به کاتب توصیه شده است تا در مکانی که در اصطلاح «قلعه» گفته می‌شود کتابت نکند و آن به جایی گفته می‌شود که کاتب احساس کند ممکن است شخص برتر و بزرگتر از او بیاید و مجبور شود جای خود را به او بدهد و این نگرانی از آمدن «آن شخص دایماً ذهن کاتب را مشغول و پریشان دارد.» (نخجوانی: ۱۹۶۴، ص ۸۸) اما در مواردی این توصیه‌ها با خرافات نیز همراه می‌شود. به عنوان مثال تأکید شده تا «دوات را بر طاقچه و بالش و جای بلند نهد کی معزولی باز آرد.» (همان، ص ۸۴) بعد از این به نقل بخشی از کتاب مجمع النوادر یا چهارمقاله اثر عروضی سمرقندی می‌پردازد. نقل مذکور شامل ده حکایت درباره اهمیت و ارزش دبیری است که نخجوانی آن را همراه با اندکی تلخیص

نقل می‌کند. نخجوانی در انتقال محتوی نامه‌ها امانت‌داری را بخوبی رعایت نموده است. در این نقل تفاوت‌ها بدین صورت است: واژه «ترکی خردمند» در دستور الکاتب حذف شده و تنها واژه «عافل» ذکر شده است. (نخجوانی: ۱۹۶۴، ص ۱۰۲؛ مقایسه شود با عروضی: ۱۳۸۱، ص ۲۳) واژه‌های کتاب (عروضی، صص ۲۴، ۳۱؛ نخجوانی، صص ۱۰۴، ۱۱۲) و کتابت (عروضی، ص ۲۴؛ نخجوانی، ص ۱۰۵) در نقل اضافه شده است. در نقل بجای واژه «دبیر» از «کتاب» استفاده شده است. (عروضی، صص ۲۷، ۲۸؛ نخجوانی، صص ۱۰۸، ۱۰۹) همچنین سابقه مکاتبات بین سلاطین در دوران پیشین حذف شده است. (عروضی، ص ۳۹؛ نخجوانی، ص ۱۱۸) این حکایات در متن چهار مقاله دارای اشتباهات تاریخی است. به عنوان مثال در حکایت اسکافی هفت اشکال دیده می‌شود. فضل بن سهل بجای حسن بن سهل آمده و یا سنجر بجای مسعود غزنوی، بغرا خان بجای ایلک خان ذکر شده است. (یوسفی: ۱۳۷۱، ص ۱۷۷) نخجوانی نیز بدون بررسی آنها، اشتباهات را به همان صورت تکرار کرده است. (نک: نخجوانی، همان صص ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۹) این مساله نشان می‌دهد که محمد از تاریخ‌نگاری پدر خود بهره اندکی برده است.

پس از مقدمه به تعیین مراتب، القاب و ادعیه پرداخته می‌شود. قسم اول به چهار مرتبه تقسیم شده است. مرتبه اول به سه بخش متمایز از جامعه می‌پردازد و هریک از آنها به دو ضرب تقسیم می‌شود. ضرب اول شامل القاب و ادعیه؛ و ضرب دوم نامه‌ها و موضوع‌هایی به عنوان نمونه نوشتن نامه. در ضرب اول مرتبه اول القاب و ادعیه سلاطین، خانواده او (خواتین و شاهزادگان) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ضرب دوم موضوع‌هایی که ممکن است در مکاتبات بین سلاطین مطرح گردد که شامل بیست فصل بصورت مکتوب و جواب پس از آن اضافه می‌شود. این قاعده درباره خواتین و شاهزادگان رعایت نمی‌شود و ضرب دوم تنها مخصوص به مکاتبات سلاطین است. این نامه‌ها در قالب دیپلوماسی دنیای پیش از مدرن آماده شده است. مانند «تهنیت بجلوس سلطنت»، «تهنیت در فتح مملکت و شکستن دشمنان»، «در طلب وصلت» و «عتاب» و غیره. اما با این حال محتوی همه نامه‌ها به مسایل روابط بین حکومت‌ها محدود نمی‌گردد. به عنوان مثال فصل دوم «نصیحت» نام دارد و شامل ۱۷ نوع است. (که در مقایسه با فصل‌های دیگر بسیار گسترده است) در نوع‌های مذکور مشکلات

داخلی مملکت توسط سلطانی دیگر گوسزد می‌شود. نصیحت‌های مذکور بقدری جزئی و مسایل آنها آنقدر دقیق است که در بیشتر موارد نمی‌توان تصور کرد که سلطان مملکتی دیگر آنها را نگاشته باشد و اساساً در نامه‌نگاری‌های بین سلاطین موضوعاتی کم‌رنگ محسوب می‌شوند. به عنوان مثال می‌توان به نوع مربوط به «منع خربندگان و امثال ایشان از مزاحمت رعایا» اشاره نمود. (نخجوانی: ۱۹۶۴، صص ۲۰۳ - ۷) به نظر می‌رسد که نامه مذکور را یکی از شهروندان و دست‌کم یکی از کارمندان سلطان نوشته است که شاهد مسأله‌ای بوده است. فصل مذکور با سیر الملوک و نصیحت الملوک (منسوب به امام محمد غزالی) شباهت زیادی دارد و حتی یکسان بودن عنوان بعضی از مطالب با بعضی از فصل‌های سیر الملوک خواجه نظام الملک تصادفی نیست و نشان می‌دهد که نخجوانی اثر مذکور را مطالعه نموده و با آنها اتفاق نظر دارد. (خواجه نظام الملک، ۱۳۷۸، ص ۲۱۳ مقایسه شود با نخجوانی: ۱۹۶۴، ص ۲۸۴) مرتبه مذکور شامل ۱۹۱ نوع می‌باشد که ۱۸ نوع آن به القاب و ادعیه و ۱۷۳ نوع یا نامه آن به موضوعات یاد شده می‌پردازد. (← نمودار ۱)

مرتبه دوم به صاحبان قدرت و بزرگان کشوری و لشکری و غیره پرداخته می‌شود. از ویژگی‌های این مرتبه حضور گروه‌هایی چون نقیب‌النقیا (زعیم سادات) و مشایخ‌النقبا می‌باشد. تفاوت گروه‌های یاد شده با سایر گروه‌های این مرتبه عدم آرایه خدمات مستقیم به حکومت است. به عبارت دیگر گروه‌های یاد شده «کارمند» محسوب نمی‌شوند. (← نمودار ۲)

گفته می‌شود که پس از ورود ترکان به ایران گروه «اهل قلم» همواره با «اهل شمشیر» در ستیز و رقابت بودند و اهل قلم همواره سعی می‌کردند تا در آثار خود آنها را پایین‌تر و کم‌اهمیت‌تر از اهل قلم جلوه دهند. (Ashraf and Banoazizi; p. 664) این مسأله در دستور الکاتب به صورت برتری بی‌تردید نظامیان و اهل شمشیر جلوه می‌کند؛ بطوری که در این مرتبه منزلت امرا بالاتر از وزرا قرار داده می‌شود. (نخجوانی: ۱۹۷۱، ص ۲) و نخجوانی در این موضوع طرفداری را به کنار گذاشته و همت خود را به ترسیم واقعیت جامعه صرف نموده است. این مرتبه دارای ۱۹۴ نوع است که ۹۸ نوع آن القاب و ادعیه این گروه و ۹۶ نامه در موضوعات مختلف نوشته شده است. (← جدول شماره ۳)

در مرتبه سوم به «الناس» و یا گروه‌های فاقد قدرت سیاسی پرداخته می‌شود. این دسته با وجود اینکه جزو مردم و خارج از طبقه حاکمه محسوب می‌شوند، اما در عین حال در دسته برجستگان و واسطه‌های پیوند قدرت سلطان در بین عموم مردم قرار دارند. (مناصب بینابینی) این مرتبه به دو «صنف» و یا دسته «اشراف و اوساط» تقسیم می‌شود. دسته اول دارای القاب و ادعیه و دسته دوم در منزلتی فروتر و فاقد القاب و ادعیه هستند. در رأس دسته اول «علما» و در پایان «صدور و اعیان» قرار گرفته‌اند. (نخجوانی: ۱۹۷۱، صص ۲۶۰، ۳۳۴) اشرف الناس در جامعه این دوره دارای امتیازاتی بودند که سایرین از آن محروم بودند. نخجوانی به این موضوع اشاره چندانی ندارد. اما در بخش مرتبه اول از نوعی مصونیت آنها در برابر جرم‌های مرتکب شده یاد می‌کند که در صورت انجام عمل خلاف قانون توسط آنها بخشیده می‌شوند و در صورت تکرار به ریشه‌یابی و علت آن پرداخته می‌شود. در صورتی که فقر و ضعف اقتصادی سبب‌ساز آن شده باشد، می‌بایست آنها را کمک مالی دهند. (همان: ۱۹۶۴، صص ۲۱۰ - ۱۲) این نگرش بی‌تردید با دیدگاه طبقاتی در دوره ساسانیان شباهت زیادی دارد. در صنف اوساط الناس «روسا و دهاقین» در صدر و «مخالفان ملت اسلام» و یا اهل کتاب در پایین‌ترین قسمت این صنف جای می‌گیرند. (همان، صص ۳۷۱، ۳۹۱) صنف ذکر شده شامل گروه‌های زیادی از جامعه می‌باشد. از جمله می‌توان به گروه عظیم «سوقه و محترفه» یا پیشه‌وران و بازاریان اشاره نمود. با این حال آنها کمترین مکتوبات را به خود اختصاص می‌دهند. (— نمودار ۳) در این مرتبه ۱۷۰ نوع ذکر شده که ۱۳۶ نوع به اشراف و ۳۴ نوع به اوساط اختصاص یافته است. از بخش اشراف ۱۰۹ نوع مربوط به القاب و ادعیه و ۲۷ نوع نامه می‌باشد. (— جدول شماره ۳)

- قسم اول:
- مرتبه اول:
 - مرتبه دوم
 - مرتبه سوم
 - مرتبه چهارم
- ضرب اول: (القاب و عناوین هر یک ۶ نوع)
- ۱. سلاطین
 - ۲. خواتین و سلاطین
 - ۳. شاهزادگان
- ضرب دوم: (نامه‌ها ۲۰ فصل)
- ۱. فصل ۱. تهنیت جلوس به سلطنت (بصورت مکتوب و جواب)
 - ۲. فصل ۲. نصیحت (۱۷ نوع)
۱. نوع ۱: در استصحاب حکما و دانایان
۲. نوع ۲: در منع ظلم و تعدی
۳. نوع ۳: در اجرای وقف بشروط واقفان
۴. نوع ۴: در منع نزول بخانهای رعایا
۵. نوع ۵: در منع تعرض امرا و متغلبان رعایا
۶. نوع ۶: در منع خربندگان و امثال ایشان از مزاحمت رعایا
۷. نوع ۷: در استکشاف احوال مزوران و تدبیر آن
۸. نوع ۸: در تفحص اولاد و امرا و تدبیر آن
۹. نوع ۹: در دفع دزدان و حرامیان و راهزنان
۱۰. نوع ۱۰: در تعیین منهبان و جاسوسان
۱۱. نوع ۱۱: در تعیین جمعی کی مصالح ارباب حاجات بعرض رسانند
۱۲. نوع ۱۲: در استصحاب مشایخ
۱۳. نوع ۱۳: در رعایت قدما
۱۴. نوع ۱۴: در رعایت جانب امهات و غیره
۱۵. نوع ۱۵: در تعیین خزانه جهت واجبات مستحقان از ادراارات و انعامات
۱۶. نوع ۱۶: در اجابت منع تصرف در املاک مردم
۱۷. نوع ۱۷: در منع مکسب زر و سایر بدعتها (همچنین ۱۷ نوع در جواب مکتوبات)
۳. فصل ۳. در فتح راه حج و فرستادن محمل
۴. فصل ۴. در تهنیت فتح مملکت و شکستن دشمنان
۵. فصل ۵. در اعلام عزیمت بطرفی از اطراف
۶. فصل ۶. در استمداد بنفس و لشکر و مال
۷. فصل ۷. در مستظهر گردانیدن شکستگان
۸. فصل ۸. در طلب دوستی
۹. فصل ۹. در طلب وصلت
۱۰. فصل ۱۰. در تهنیت زفاف
۱۱. فصل ۱۱. در تهنیت ولادت
۱۲. فصل ۱۲. در عتاب
۱۳. فصل ۱۳. در اعتذار
۱۴. فصل ۱۴. در امان خواستن جهت مجرمان و گریختگان
۱۵. فصل ۱۵. در عهدنامه
۱۶. فصل ۱۶. در تهدید و جواب
۱۷. فصل ۱۷. در سپارش شخصی
۱۸. فصل ۱۸. در تعزیت نامه
۱۹. فصل ۱۹. در استدعای تردد تجار و قوافل
۲۰. فصل ۲۰. در استدعای حضور یکی از اعظام و غیره

نمودار ۱

مرتبہ دوم:

ضرب اول: القاب و ادعیه (۲۶ فصل)

- فصل ۰۱. امرالوس و خواتین و اولاد
- فصل ۰۲. وزرا و خواتین و اولاد
- فصل ۰۳. تقیب النقا و سادات
- فصل ۰۴. مشایخ و مریدان ایشان
- فصل ۰۵. قاضی القضاة، قضاة و اتباع
- فصل ۰۶. نواب دیوان سلطنت
- فصل ۰۷. نواب دیوان وزارت
- فصل ۰۸. امرای اولکاو تومانات
- فصل ۰۹. مقرران پادشاه
- فصل ۰۱۰. اتابکان لور (لر)
- فصل ۰۱۱. شروانشاهان
- فصل ۰۱۲. امرایگلانات
- فصل ۰۱۳. وکیل حضرت سلطنت
- فصل ۰۱۴. الغ بیتکچی
- فصل ۰۱۵. مستوفی الممالک
- فصل ۰۱۶. مشرف الممالک
- فصل ۰۱۷. ناظر الممالک
- فصل ۰۱۸. حکم الممالک
- فصل ۰۱۹. حافظ الممالک
- فصل ۰۲۰. منشی الممالک
- فصل ۰۲۱. حاکم اوقاف ممالک
- فصل ۰۲۲. حجاب سلاطین
- فصل ۰۲۳. ملوک ولایات
- فصل ۰۲۴. رسولان اطراف
- فصل ۰۲۵. امیر شکار
- فصل ۰۲۶. امیر مجلس

ضرب دوم: نامه‌ها (۱۶ فصل)

- فصل ۰۱. در تهنیت عمل و نوازش سلطان
- فصل ۰۲. در تهنیت قدوم
- فصل ۰۳. در اعلام احوال اخلاص و اتحاد
- فصل ۰۴. در طلب موافقت و دوستی
- فصل ۰۵. در تحف و هدایا فرستادن
- فصل ۰۶. در عذر مکارم خواستن
- فصل ۰۷. در عتاب
- فصل ۰۸. در استغفار از خطایا
- فصل ۰۹. در استغفار از تقلد اعمال و اشغال و مهمات دیوانی
- فصل ۰۱۰. در طلب حضور عالمی یا شیخی بزرگ یا دیگر از ملکی به ملکی
- فصل ۰۱۱. در مشاورت و حزم
- فصل ۰۱۲. در عیادت مرضی
- فصل ۰۱۳. در تهنیت صحت
- فصل ۰۱۴. در تفقد اصحاب مکاره
- فصل ۰۱۵. در تهنیت خلاص از مکاره
- فصل ۰۱۶. در استمالت گریختگان و بازخواندن ایشان

نمودار ۲

۱- علما	ضرب اول (القاب و ادعیه ۲۷ فصل) ضرب دوم (نامه ۸ فصل) فصل ۱. در ذکر اشتیاق و آرزومندی و بیان مفارقت و دوری ۲. در اجوبه مکتوبات و صفت حسن خط و بلاغت عبارت ۳. در احوالی که پیش از ملاقات بیکدیگر نویسند ۴. در جوابی که پیش از ملاقات نویسند ۵. در طلب مراجعت ۶. در تعیین مصلحتی ۷. در رقع مختلف	۱. صنف اول اشراف الناس مرتبه سوم (دو صنف)
۲- حکما		
۳- مدرسان		
۴- مفتیان		
۵- مفسران		
۶- محدثان		
۷- وعاظ		
۸- خطبا		
۹- اطبا		
۱۰- معیدان		
۱۱- امامان		
۱۲- فقها		
۱۳- حفاظ		
۱۴- ارباب فتوت	۲. صنف دوم (اوساط الناس بدون القاب و ادعیه شامل ۱۲ فصل) فصل ۱. روسا و دهاقین فصل ۲. اتراک فصل ۳. اکراد فصل ۴. اعراب فصل ۵. قلندران فصل ۶. متعلقان و غلامان فصل ۷. فراشان فصل ۸. ساریانان فصل ۹. خربندگان فصل ۱۰. کاروانسالاران فصل ۱۱. سوقه و محترفه فصل ۱۲. مخالفان ملت اسلام (اهل کتاب)	
۱۵- صلحا و منقطعان و گوشه نشینان		
۱۶- محتسبان		
۱۷- منجمان		
۱۸- شعرا		
۱۹- استادان		
۲۰- جد و پدر		
۲۱- جده و مادر		
۲۲- عم و خال		
۲۳- عمه و خاله		
۲۴- برادران بزرگ		
۲۵- برادران کوچک		
۲۶- خواهران		
۲۷- پسران		
۲۸- دختران		
۲۹- خواجه سرایان		
۳۰- اصحاب و دوستان		
۳۱- ندما		
۳۲- تجار		
۳۳- ابطال و شجعان		
۳۴- اسفہسالاران		
۳۵- کوتوالان قلاع		
۳۶- مقدمان طوایف		
۳۷- مهندسان و معماران		
۳۸- صدور و اعیان		

بصورت کلی این قسم، بخش اعظم کتاب را دربر می‌گیرد و شامل ۶۷۷ نوع است که ۴۵۲ نوع بصورت موضوع یک نام و ۲۲۵ نوع تنها به ذکر القاب و ادعیه پرداخته است. (جدول شماره ۱)

قسم دوم به حکم‌ها و نامه تفویض مناصب مختلف حکومتی اختصاص دارد و به سه گروه مناصب تقسیم می‌شود: ۱. مناصب نظامی و لشکری ۲. مناصب دیوانی ۳. مناصب شرعی. در بالاترین مقام گروه اول «امرای الوس» قرار دارد. در گروه دوم مقام «وزارت» و در دسته سوم «قاضی القضاة ممالک» قرار گرفته است. دسته اول ۲۴/۴۸٪ دسته دوم ۲۳/۸۰٪ و دسته سوم ۱۵/۶۴٪ حکم‌های این قسم را به خود اختصاص می‌دهند. ۳۵/۳۷٪ بقیه این قسم به «احکام مختلف» مثل انواع تصرف، اداری و غیره پرداخته می‌شود. (جدول شماره ۲) این قسم دارای ۱۴۷ نوع می‌باشد و در حدود ۱۷/۸۳٪ از نوع‌های کل اثر را دربر می‌گیرد. برخی از این احکام را می‌توان با دستور دبیری مقایسه کرد. (میهنی: ۱۳۷۵، صص ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۳؛ مقایسه شود با نخجوانی: ۱۹۷۶، صص ۳۵، ۱۱۱، ۱۷۵) این قسم بدنه و ساختار دیوانی و اداری جامعه بعد از مغول را نشان می‌دهد. تنوع مقامات دیوانی نشان از تداوم دیوانسالاری ایرانی بعد از حملات مغول می‌باشد. همچنین می‌توان تحولات مناصب را در بخش‌های دیگر مشخص نمود. به عنوان مثال بخشیان در ابتدای حملات مغولان یکی از عناصر مذهبی - دیوانی محسوب می‌شدند (اقبال: ۱۳۸۰، ص ۸۷) اما در دستور الکاتب صرفاً به عنوان مترجمان نامه‌های مغولی معرفی می‌شوند. (نخجوانی: ۱۹۷۶، صص ۳۹ - ۴۶)

در پایان به ذکر ۱۷ نکته در مورد شرایط استفاده از اثر پرداخته می‌شود. (همان: ۱۹۷۶، صص ۳۴۲-۳۵۵) یکی از این نکته‌ها به این مسأله اشاره دارد که کاتب، نامه‌ها را بصورت کامل و بدون تغییر بکار نبرد و آنها را تنها یک کلیشه دانسته و هنگام استفاده مطابق شرایط، خود آن را تغییر دهد و خلاقیت خود را بکار گیرد. (همان، ص ۳۴۳) همچنین نکته دیگر به مسأله استعداد کاتبان تازه کار اشاره دارد. نخجوانی بصراحت از کسانی که در زمینه نوشتن نامه دارای خلاقیت نیستند، می‌خواهد این حرفه را کنار بگذارند. او از کسانی که از راه حفظ و تقلید تام از این اثر به حرفه کتابت مشغول می‌شوند، می‌خواهد تا از تلف کردن عمر خود به کتابت صرف نظر کرده و به حرفه دیگری پردازند. (همان، صص ۳۵۴-۳۵۵) این نکته حاوی نوعی از آسیب‌شناسی

گروه «کاتبان» است و به نظر می‌رسد که مؤلف با مشکل مذکور برخورد داشته است. مؤلف پس از مدح و ثنای شیخ اویس جلایری بصورت قصیده‌ای ۵۰ بیتی کار نوشتن اثر دیگری در این زمینه به زبان عربی به سلطان پیشنهاد می‌کند. (همان، ص ۳۶۶) به نظر می‌رسد که این پیشنهاد انجام نگرفت و اثری در این زمینه تهیه نشد.

مؤلف در جای جای متن حضور دارد و هر جایی که ضرورت پیدا می‌کند و ابهامی برای کاتب ممکن است بوجود بیاید توضیحاتی در آن مورد ارائه می‌کند. در بخش «نصیحت» قبل از آغاز نامه‌ها، تذکرات لازم در مورد اهمیت مسأله را متذکر می‌شود. این توضیحات شامل هفت صفحه است. (نخجوانی: ۱۹۶۴: صص ۱۴۹-۱۵۵) در بخش مربوط به احکام و فرمانهای مناصب قبل از ذکر نامه‌های تفویض توضیحات کلیدی و با ارزشی را درباره سابقه مناصب و نوع قراردادهای دیوانی ارائه می‌کند. توضیح وظایف مقامات نظامی از جمله بوکاول، یاساول، یورتچی و... پژوهشگران را در فهم بهتر ساختار نظامی یاری می‌رساند. (همان: ۱۹۷۶ صص ۵۳، ۵۷، ۶۲-۶۳) در بعضی موارد این توضیحات آنقدر زیاد می‌شود که بجای نامه سابقه‌ای از یک مقام و سیر تحول آن بیان می‌شود. به عنوان مثال در مورد منصب دیوانی «دفترداری ممالک» به بیان ایجاد این مقام از زمان هلاکو و تغییر و تحول آن تا زمان غازان خان می‌پردازد. (همان، صص ۱۲۵-۱۳۲) به نظر می‌رسد که این مقام از فهرست مناصب دیوانی حذف شده است. بطوری که حتی حکمی در این باره ارائه نمی‌دهد. می‌توان تصور نمود که هدف مؤلف از ذکر آن در بین مناصب، پیشنهادی برای احیای این مقام بوده است. دستورالکاتب یکی از اساسی‌ترین منابع بررسی دیوانسالاری دوره بعد از حضور مغولان در ایران و کلید فهم تحولات اداری و نظامی ایران محسوب می‌شود. نخجوانی به ابعاد گسترده اثر خود آگاهی داشت. او اثر خود را فراتر از کتابی آموزشی و محدود به گروه کاتبان می‌داند. بطوری که در این باره می‌گوید «و معلوم گردد تا هریک از این طوایف (منظور گروه‌های مورد بررسی است) طریقه زندگانی با خالق و خلاق چگونه می‌باید کرد.» (همان، ص ۳۵۹) نخجوانی اثر خود را طرحتی برای زندگی اجتماعی و بیان‌کننده نوع روابط اجتماعی افراد جامعه معرفی می‌کند.

دستورالکاتب نقش مهمی در پژوهش‌های تاریخ اجتماعی ایران ایفا می‌کند. با این وجود به این جنبه از اثر مذکور تا کنون توجه زیادی نشده است. در هیچ یک از پژوهش‌های تاریخ اجتماعی ایران دوره اسلامی - مثل آثار لمبتون و پطروشفسکی و

احمد اشرف - به تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی اجتماعی ارایه شده در این اثر توجهی نشده است. (المبتون: ۱۳۵۸؛ پطروشفسکی: ۱۳۶۶، بخش اول؛ Ashraf, Ibid) بی‌گمان با اساس قرار دادن دستور الکاتب و استخراج گروه‌های اجتماعی و بررسی و پژوهش استقرایی می‌توان گام موثری در این زمینه برداشت. پیچیدگی بحث تقسیم‌بندی اجتماعی در تاریخ ایران بیشتر بر اثر استفاده از مفاهیم علوم اجتماعی برگرفته شده از تاریخ اروپا است. می‌توان طبقه‌بندی پیشنهادی اثر مذکور را بنیان مطالعات اجتماعی تاریخ ایران قرار داد. مراتب سه گانه (۱. سلطان ۲. صاحبان قدرت سیاسی ۳. مردم) چهارچوب و قالبی فراگیر و مناسب برای طبقه‌بندی بیشتر گروه‌های کوچک و بزرگ جامعه ایران می‌باشد. مطابق دستور الکاتب جامعه و گروه‌های اجتماعی در ایران بر اساس آمیزه‌ای از منزلت معنوی در جامعه (مثل همه گروه‌های مذهبی) و نزدیکی گروه‌ها به قدرت سیاسی و ارتباط و تفاهم با قدرت سلطان تقسیم می‌شوند و با هم به همکاری می‌پردازند. نقش و اهمیت مذهب و نیروهای روحانی یکی از ویژگی جامعه ایران است و این متفاوت با عوامل مالکیت اشراف و نقش اقتصاد غیردولتی جامعه غرب در دوران مشابه است. به عنوان مثال گروه «مشایخ» و «نقیب النقب و سادات» بدون در دست داشتن ابزار قدرت نظامی، اقتصادی مستقل و قدرت سیاسی، از سایر گروه‌های مذهبی مثل علما و فقها و امامان و حتی مقاماتی اداری و نظامی پیش‌تر می‌روند و در مرتبه صاحبان قدرت سیاسی پس از امرا و وزرا قرار می‌گیرند. (—) نمودار مرتبه دوم) نمونه‌ای از تقسیم‌بندی مشابه جامعه در دستور دبیری نیز یافت می‌شود. در اثر مذکور جامعه به سه «طبقه» تقسیم می‌شود. در طبقه اول سلاطین و کارمندان عالی‌مرتبه قرار دارند، در طبقه دوم سایر دیوانیان و رده‌های نظامی؛ و در طبقه سوم خواجهگان شهری و مردم صاحب نفوذ جای می‌گیرند. در اثر مذکور حتی از عنوان دادن به طبقه‌ها خودداری می‌کند و تنها با بررسی القاب آنها می‌توان به عناوین مذکور دست یافت. این تقسیم‌بندی بسیار کلی، مبهم و مختصر است و در برابر پیچیدگی دستور الکاتب اثر ساده محسوب می‌شود. نفایس الفنون فی العرایس العیون که زمان تألیف آن با دستور الکاتب فاصله اندکی دارد (سال فوت مولف ۷۵۳ ق) نیز به تقسیم‌بندی مشاغل و مناصب جامعه می‌پردازد. البته این تقسیم‌بندی با اندکی تفاوت از اثر معروف خواجه نصیرالدین طوسی با عنوان اخلاق ناصری رونویسی شده است. (طوسی، ۱۳۴۶: ۱۸۳-۱۸۴). در این تقسیم‌بندی ماهیت کارها و مشاغل موجود در

جامعه مورد توجه قرار گرفته است. بطور کلی مشاغل به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. شریف ۲. خسیس ۳. متوسط.

دسته اول دربرگیرنده مشاغلی است که «ناشی از خیر نفس باشد نه از خیر بدن» به عبارتی به مشاغل غیر یدی اطلاق می‌گردید. این دسته خود به سه دسته تقسیم می‌شود ۱. آنکه به جوهر عقل مثل صحت رأی و صواب مشورت و حسن تدبیر تعلق دارد، بالاترین مشاغل «وزارت» است. دسته دوم به ادب و فضل تعلق دارد مثل کتابت، بلاغت، نجوم، طب و غیره. دسته سوم «آنکه به قوت و شجاعت تعلق دارد» مثل امور مناصب نظامی. صناعت خسیس به مفهوم کارهایی است که در جامعه وجهه اجتماعی خوبی ندارند. این دسته به سه نوع از مشاغل تقسیم می‌شود: اول کارهایی که برخلاف و «منافی مصلحت عموم خلق بود» مثل احتکار و سحر. دوم کارهایی که «منافی فضیلتی از فضایل بود» مثل مسخرگی و مطربی. سوم کارهایی که سبب «نفرت طبع» بود مثل حجامت و دباغت و کتاست (رفتگری). مشاغل متوسط که به نظر می‌رسد بیشتر جامعه و عموم مردم به آن اشتغال دارند، به «مکاسب» و «اصناف حرفت» تعلق دارد. این دسته به سه نوع تقسیم می‌شود. اول: مشاغل ضروری مثل «زراعت» دوم: غیر ضروری مثل «صباغت» (رنگرزی) سوم: حرفه‌های بسیط (یعنی در بعضی تولیدات آن غیر ضروری و دیگر ضروری است) مثل درودگری. (آملی: ۱۳۸۱، ج ۲، صص ۳۹۸-۳۹۹).

این تقسیم‌بندی در مقایسه با دستور الکاتب از واقع‌بینی اندکی برخوردار است. نگاه مؤلف در این تقسیم‌بندی همراه با نوعی نفی نیازهای جامعه همراه است؛ بطوری‌که مشاغل فراتر از نیازهای اولیه، با دیدگاهی بدبینانه توجه و «غیر ضروری» تلقی می‌شود و نیز نشان می‌دهد که مؤلف با منطق جامعه خود بیگانه است و این مسأله را در نظر نگرفته است که مشاغل با توجه به نیازهای جامعه و مردم بوجود می‌آیند. هم چنین نویسنده تمایل خود را به گروه «اهل قلم» نشان می‌دهد و مشاغل نظامی را فروتر از «اهل ادب و فضل» نشان می‌دهد. (همان، ص ۳۹۹) در مقابل آن نخجوانی با مشاغل ارزشی برخورد نمی‌کند. به عبارتی دیگر او همه مشاغل را محترم و ضروری می‌داند و هیچ کدام را با هم مقایسه نمی‌کند. آنچه مهم است تخصص و مهارت افراد در حرفه‌ها و کارهاست و در این مورد از این شعر بهره می‌جوید:

پالان گری بغایت خود بهتر ز کلاه‌دوزی بد

به هر حال نخجوانی به نوعی ساخت طبقاتی در مشاغل و یا موروثی شدن آن معتقد

بود. او تمایل داشت تا مانند دوران ساسانیان و دوره «انوشیروان عادل» محدودیتی در راه‌یابی گروه‌های دیگر به حرفه «کاتبان» ایجاد شود تا بدین وسیله «نامستعدان و سفلکان غیراصیل را از تعلیم و تعلم... منع» کنند (نخجوانی: ۱۹۷۶، ص ۳۵۰) مجموعه منشآت دوره پیشین مثل عتبه الکتبه حتی با دستور دبیری نیز قابل مقایسه نیستند. در اثر مذکور هیچ نظم و قاعده‌ای اجتماعی و دیوانی رعایت نشده است. (← جوبنی: ۱۳۸۴).

دستور الکاتب از جامع التواریخ اثر خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بسیار تأثیر پذیرفته است و حتی از این کتاب نیز یاد می‌کند. (نخجوانی: ۱۹۶۴، ص ۳۱۶) موضوع و محتوی برخی از حکایات مربوط به اصطلاحات غازی در جامع التواریخ شباهت بسیار زیادی با نامه‌های دستور الکاتب دارد. به عنوان مثال حکایت «در منع خربندگان و شتربانان و پیکان از زحمت مردم دادن» (رشیدالدین: ۱۳۷۳، ج ۲، صص ۱۵۳۷ - ۹؛ مقایسه شود با: نخجوانی، همان، صص ۲۰۳ - ۲۰۸) و یا حکایت «ترتیب فرمودن کار آباد کردن بایرات» (رشیدالدین، همان، صص ۱۵۲۶ - ۳۳؛ مقایسه شود با نخجوانی: ۱۹۷۶، صص ۳۱۶ - ۲۱) و نیز حکایت «در فرمان دادن به ساختن ایلچی خانه‌ها در ممالک و منع شحنگان و حکام از فروآمدن به خانه‌های مردم» (رشیدالدین، همان، صص ۱۵۳۳ - ۷؛ مقایسه شود با نخجوانی: ۱۹۶۴، صص ۱۸۴ - ۹۵) مسأله مذکور علاوه بر تأثیر گرفتن نخجوانی از اثر مذکور نشان می‌دهد که اصلاحات غازی تا چه حدی تأثیرگذار و موفق بوده است. در این باره با طرح کردن یکی از طرح‌های اصلاحی غازان، آسیب‌شناسی حرکت مذکور را نشان می‌دهد. برنامه اصلاحی مذکور به ممنوعیت «مکسب زر» یا رباخواری مربوط است که توسط غازان صورت گرفته بود. اما مطابق دستور الکاتب، «مکسب زر» یا رباخواری برای اینکه «معاملات از میان مردم برنیفتد» لازم و ضروری است و می‌بایست مقدار آن از سوی حکومت مشخص و معلوم گردد. (نخجوانی، ۱۹۶۴، ص ۳۱۵؛ مقایسه شود با رشیدالدین، همان، ص ۱۴۸۹) نخجوانی پس از مشخص کردن مقدار ربا در هر ماه، گویی عدم واقع‌بینی را در اصلاحات غازی بیان می‌کند.

از ویژگی‌های موجود در کتب آموزشی کتابت مثل دستور دبیری و دستور الکاتب حذف شدن نام‌های شهرها و تاریخ صدور نامه‌ها و حکم‌ها می‌باشد. اما این مسأله بصورت کامل در دستور الکاتب رعایت نمی‌شود و اسامی اشخاص بسیاری که برای

درک پایگاه قومی گروه‌ها و مناصب لازم است، ذکر شده است. موضوع بیشتر نامه‌ها مربوط به شهرهایی است که تحت کنترل جلایریان قرار داشتند به عنوان مثال می‌توان به تبریز، همدان، کرمانشاهان، بغداد، ارومیه، قزوین، اسدآباد، اهر، مرنده، مراغه، موغان، هشتروند، آوه، ساوه، اران، هشتروند، نخجوان، اردبیل، دهخوارقان اشاره نمود. (علیزاده فهرست جامعی از شهرها را ذکر کرده است نک: همان: ۱۹۷۶، فهرست اسامی اماکن) اما به هر حال تاریخ‌های اندکی در حکم‌ها و فرمان‌ها وجود دارد. تاریخ‌های موجود بر دو مبنا قرار دارد: ۱. تاریخ هجری ۲. تاریخ خانی. تاریخ اخیر احتمالاً برای اولین بار توسط وصاف مطرح شده است. وصاف مبنای این تاریخ را سال ۷۰۱ قرار داده است. (وصاف: ۱۳۳۸، ص ۶۳) اما در دستور الکاتب این مبنا دارای یک سال اختلاف شده است. به عبارتی دیگر سال ۵۹ خانی برابر با ۷۶۱ ق قرار داده شده است. (نخجوانی: ۱۹۷۶، ص ۱۰)

نخجوانی در اثر خود از منابع متعددی استفاده کرده است. فهرست آثاری را که توسط مؤلف اشاره شده بدین قرار می‌باشد:

۱. ماوی الغریب و مرعی الادیب اثر امام احمد بن محمد الميدانی النیشابوری (۱۹۶۴ ص ۷۳).
۲. نهج البلاغه (همان ص ۷۳).
۳. تصانیف مختلفی از ابوعلی فارمدی که نوشته‌ای از پیامبر (ص) درباره انساب و اقارب سلمان فارسی را ذکر کرده است (همان، ص ۷۰).
۴. عیون الاخبار اثر ابو عبدالله محمد بن مسلم بن قتیبه، (همان، ص ۶۸).
۵. عهدنامه اردشیر بابکان، به زبان عربی (همان، ص ۶۶).
۶. تفسیر کواشی بر قرآن (همان ۶۴).
۷. رساله‌ای در موضوع علم انشا و فضیلت آن از مولانا ملک الافاضل حکیم‌الدین ناموس، (همان، ص ۶۳).
۸. مجمع النوادر (چهار مقاله) اثر احمد بن عمر بن علی العروسی السمرقندی، (همان ص ۸۲).
۹. صحاح اللغه جوهری (یا صحاح العجم) اثر هندوشاه نخجوانی (همان، ص ۸۸؛ ۱۹۷۶، ص ۳۴۲).

۱۰. عتبی، تاریخ یمنی اثر عتبی (۱۹۶۴، ص ۱۰۲).

۱۱. اخبار سلطان غازان (همان، ص ۲۰۲).

۱۲. جامع التواریخ از خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (همان، ص ۳۱۶).

۱۳. جامع الاصول فی احادیث الرسول از نویسنده‌ای ناشناس (همان، ص ۴۶۷).
وی همچنین به کتابان مقایسه اثر را با آثار دیگر پیشنهاد می‌کند تا زیبایی و ارزش کار خود را نشان دهد. به گفته نویسنده آثاری چون کیله و دمنه، مرزبان‌نامه، فواید السلوک و منشات رشیدالدین وطواط، بهاء‌الدین محمد بغدادی، نورالدین منشی، و رضی‌الدین خنّاب نیز به گونه‌ای در این اثر مورد استفاده قرار گرفته است. (همان: ۱۹۷۶، صص ۳۴۰-۱)

نتیجه

بدون شک دستور الکاتب اثری محدود به موضوع علم انشا نیست. به سختی می‌توان مخاطبان این اثر را به گروه کاتبان محدود نمود و در واقع اثری جهت «آموزش روابط اجتماعی» و بیان اهمیت گروه‌ها است. تشابه این اثر به نوعی نصیحت‌نامه و نیز ارتباط با آثاری چون سیر الملوک خواجه نظام‌الملک و جامع التواریخ رشیدالدین نشان از پیوند مؤلف با اهداف و آرمان‌های دیوانسالاران پیش از خود دارد که در متن آن پنهان مانده است. همچنین نشان از انگیزه‌های مؤلف برای احیای ایرانی متمرکز و نزدیک کردن سلاطین دوره خود به آداب کشورداری ایرانی و الگوی سلطانی «دادگر» است. نسخه‌های باقیمانده از این اثر گویای کاربرد و جایگاه آن پس از تألیف می‌باشد.

دستور الکاتب در توصیف و تقسیم جامعه برخلاف منابع هم دوره خود از واقع‌بینی فراوانی برخوردار است. بی‌گمان هرگونه پژوهش در تاریخ اجتماعی ایران بعد از مغول و تحقیق در باب دیوانسالاری این دوره بدون در نظر گرفتن این اثر راه بجایی نخواهد برد. تصحیح موجود از این اثر با وجود ارزش و دقت نظر مصحح آن، دارای نقص‌های مهمی است و بی‌تردید تصحیح مجدد آن و لحاظ نمودن نسخه‌های موجود از این اثر و تحقیق درباره اصطلاحات و موضوعات آن گامی مؤثر در پژوهش‌های ذکر شده خواهد بود.

موضوع	تعداد نوع	درصد
القاب ادعیه	۲۲۵	۲۷/۳۰
تفویضها	۱۴۷	۱۷/۸۳
نامهها	۴۵۲	۵۴/۸۵
جمع کل کتاب	۸۲۴	۱۰۰

جدول شماره یک. فراوانی نامهها، احکام و القاب

موضوع حکم تفویضی	تعداد نوع	درصد	تعداد مناصب
لشکری	۳۶	۲۴/۴۸	۱۴
دیوانی	۳۵	۲۳/۸۰	۲۵
شرعی	۲۴	۱۵/۶۴	۲۲
احکام مختلف	۵۲	۳۵/۳۷	-
جمع کل	۱۴۷	۱۰۰	۶۱

جدول شماره دو. فراوانی موضوعات قسم دوم و احکام و تفویضها

موضوع نامه	تعداد نوع	درصد	تعداد گروهها
سلاطین	۱۷۳	۳۸/۲۷	۳
امرا و وزرا	۹۶	۲۱/۲۳	۳۴
اشراف الناس	۲۷	۵/۹۷	۲۸
اوساط الناس	۳۵	۷/۷۴	۱۲
مکاتبات مشترک	۱۲۱	۲۶/۷۶	-
جمع کل	۴۵۲		۷۲

جدول شماره سه. فراوانی موضوعات نامهها و مکاتبات

تعداد	احکام مناصب شرعی	تعداد	احکام مناصب دیوانی (کشوری)	تعداد	احکام مناصب مربوط به مغولان (نظامیان)
۱	۱. قاضی القضاة ممالک	۳	۱. وزارت ممالک	۳	۱. امارت الوس
۱	۲. قضاة و اتباع	۱	۲. نیابت سلطنت	۳	۲. امارت اولکا
۱	۳. نیابت قاضی القضاة ممالک	۲	۳. استیفا ممالک	۳	۳. امارت تومان
	۴. نقیب النقبایی و حکومت	۱	۴. الغ بیتکچی	-	۴. امارت هزاره
۱	اوقاف و سادات	۱	۵. نظارت ممالک	-	۵. امارت صده
۱	۵. حکومت اوقاف ممالک	۱	۶. اشرف ممالک	۳	۶. امارت یارغو*
۱	۶. امارت محمل و وفد حجاج	۱	۷. حکمی ممالک	۳	۷. شنگگی ولایات ممالک
۱	۷. تدریس	۱	۸. انشاء ممالک	۳	۸. کتابت مغولی به بخشیان*
۱	۸. خطابت	۱	۹. نیابت سلطنت	۳	۹. جمع کردن امرا لشکر
۱	۹. احتساب	۱	۱۰. دفترداری ممالک	۳	۱۰. تفویض اقطاع*
۱	۱۰. اعادت	۴	۱۱. حکومت و متصرفی	۳	۱۱. بوکاولی لشکر
۱	۱۱. فقاهت	۱	۱۲. قانون و یاسامیشی	۳	۱۲. یاساولی
۱	۱۲. تفویض شیخی خانقاه	۲	و تعدیل قانون	۳	۱۳. یورتچی
۱	۱۳. اثبات صوفی در خانقاه	۱	۱۳. حرز و تخمین	۳	۱۴. بلارغوچی
۱	۱۴. ساعوری بیمارستان	۱	۱۴. احصاء مواشی و قویچور		
۱	۱۵. کتابت دارالقضا	۱	۱۵. استخراج حکام ولایات		
۱	۱۶. امینی دارالقضا	۱	۱۶. اسفهلاری		
۱	۱۷. مورخی حجج و قبالات	۱	۱۷. امارت عسس		
۱	۱۸. عاملی زکوات	۱	۱۸. ملک التجاری		
۲	۱۹. حکومت بیت المال	۱	۱۹. دارالضرب و معیری		
۱	۲۰. متصرفی جزیه	۱	۲۰. صاحب جمعی اموال		
۱	۲۱. امامت (مساجد)	۱	۲۱. مناصب قلمی ولایات		
۱	۲۲. اذان (موزن مساجد)	۱	۲۲. تتغاولی و راهداری		
		۱	۲۳. کاروان سالاری		
		۱	۲۴. ریاست دیه ها		
		۱	۲۵. انفاذ محصلان جهت تحصیل		
۲۳		۳۲		۳۶	

* جدول شماره چهار. حکمها و فرمانهای سه گانه در قسم دوم

دوره جدید، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۶ (پیاپی ۳۹)

فهرست منابع

۱. آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود (۱۳۸۱)، نفایس الفنون فی العرایس العیون، تصحیح سید ابراهیم میانجی، تهران، اسلامیه، (۳ ج).
۲. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۰)، تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، تهران، نامک.
۳. پیگولوسکایا، ن. و. و دیگران (۱۳۴۸)، تاریخ ایران (از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی)، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، (چاپ پنجم ۱۳۶۳).
۴. پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ (۱۳۵۷)، تاریخ اجتماعی - اقتصادی در دوره مغول، یعقوب آژند، تهران، موسسه اطلاعات.
۵. جوینی، منتجب‌الدین بعید (۱۳۸۴)، عتبه الکتبه، به اهتمام علامه قزوینی، تهران، اساطیر.
۶. خواجه نظام‌الملک (۱۳۷۸)، سیرالملوک، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران، علمی فرهنگی.
۷. رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۳)، جامع التواریخ، به تصحیح محمد روشن و موسوی، تهران، البرز (۴ ج)
۸. عروضی سمرقندی (۱۳۸۱)، چهار مقاله، تصحیح محمد معین، تهران، زوآر.
۹. طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۳۴۶)، اخلاق ناصری، تهران، جاویدان.
۱۰. لمبتون، آن. کی. اس (۱۳۵۸)، جامعه اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر.
۱۱. مبهنی، محمد بن عبدالخالق (۱۳۷۵)، دستور دیری، به اهتمام سید علی رضوی بهابادی، یزد، بهابادی.
۱۲. نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۱۳۵۵)، صحاح الفرس، تصحیح عبدالعلی طاعتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۳. _____، (۱۹۶۴)، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علیزاده، مسکو، انتشارات دانش.
۱۴. همو، همان.
۱۵. همو، همان.
۱۶. همو، (نسخه خطی کتابخانه سپهسالار)، شماره ثبت ۲۷۷۳، ردیف ۱۱۱۶.
۱۷. هندوشاه بن سنجر (۱۳۶۱)، صحاح العجم، تصحیح غلامحسین بیگدلی، تهران، نشر دانشگاهی.
۱۸. واتابه، ریوکو (۱۳۷۹) پژوهشی در ساختار مجموعه‌های منشآت دیری و تحول آیین‌های نگارش در دوره مغول، تهران، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال سوم، شماره ۳۲، صص ۲۸ - ۴۱.
۱۹. وصاف. عبدالله بن فضل‌الله (۱۳۳۸) تاریخ وصاف الحضرة، تهران، کتابخانه ابن سینا (چاپ افست رشديه).

۲۰. یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۱) یاداشتهایی در زمینه فرهنگ و تاریخ، تهران، سخن.

21. Ashraf. Ahmad and Ali Banoazizi, *Classes in medieval Islamic Persia*, Encyclopedia of Iranica. pp. 658-667 www.Iranica.com

22. Melville, Charles. *Historiography*, iv, Mongol Period. Encyclopedia of Iranica (without pages) www.Iranica.com

دوره جدید، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۶ (پیاپی ۳۹)